

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حلال توجیه کننده و شرایط استناد به نظریه حقوقی

دارا شدن غیر عادلانه

س - خطاطان

مقدمه

تئوری دارا شدن غیر عادلانه (Unjust Enrichment) در اکثر سیستمهای حقوقی دنیا بنحوی مشهور قبول و شناسائی قرار گرفته است . این دکترین اصولاً باین منظور پیش بینی گردیده است که از استفاده بلاجهت یا دارا شدن افراد، بدون جهت قانونی یا علت قراردادی ، به زیان افراد دیگر جلوگیری بعمل آید . بعبارت دیگر دارا شدن غیر عادلانه آنست که بدون وجود مبنای قانونی یا قراردادی بر دارائی شخصی بنحو غیر عادلانه افزوده شود و این افزایش موجب زیان فرد دیگر شود و یا آنکه شخصی از کار یا خدمت دیگری بهره مند گردد بدون آنکه اجرت عادلانه آنرا پرداخت کند . در اینصورت طبق اصلی که مورد تأیید غالب نظامهای حقوقی دنیا است ، استفاده کننده و غنی شونده ملزم است عین یا مثل مالی را که از این طریق بدست آورده به زیان دیده بازگرداند و یا اگر از کار و خدمتی منتفع گردیده،

اجرت عادلانه آنرا بپردازد. فرهنگ حقوقی بلاک^۱، اصل داراشدن غیرعادلانه را چنین تعریف میکند: «دکترینی که بموجب آن به هیچکس نباید اجازه داد بنحو غیر منصفانه و به هزینه دیگری سود ببرد یا خود را غنی سازد.»^۲

ریشه دکترین مزبور در قوانین قدیم و حقوق رم است پومپونیوس حقوقدان رومی در این باب چنین گفته است «این طبیعتاً غیرمنصفانه است که کسی از طریق زیان دیگری دارا شود.»^۳

قانون مدنی ایران اصل دارا شدن غیر عادلانه یا استفاده بلاجهت را در باب «الزامات خارج از قرارداد» منعکس ساخته است و در واقع مواد ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۳۶ و ۳۳۷ قانون مدنی ناشی از اصل مزبور میباشند. مواد مذکور چنین مقرر میدارند:

ماده ۳۰۱ - «کسی که عمداً یا اشتباهاً چیزی را که مستحق نبوده است دریافت کند ملزم است آنرا بمالک تسلیم کند.»

ماده ۳۰۲ - «اگر کسی که اشتباهاً خود را مدیون میدانست آن دین را تأدیه کند حق دارد از کسی که آنرا بدون حق اخذ کرده است، استرداد نماید.»

ماده ۳۳۶ - «هرگاه کسی برحسب امر دیگری اقدام بعملی نماید که عرفاً برای آن عمل اجرتی بوده و یا آن شخص عادتاً مهبای آن عمل باشد، عامل مستحق اجرت عمل خود خواهد بود مگر اینکه معلوم شود که قصد تبرع داشته.»

1 - Black's Law Dictionary, Revised fourth ed., St. Paul. Minn. 1968, P. 1705.

2- «Doctrine that person shall not be allowed to profit or enrich himself inequitably at another's expense».

3- Dawson (J), Unjust Enrichment, A comparative analysis, Boston. 1951, P. 3.

ماده ۳۳۷ - « هر گاه کسی بر حسب اذن صریح یا ضمنی از مال غیر استیفاء منعفت کند ، صاحب مال مستحق اجرت‌المثل خواهد بود مگر اینکه معلوم شود که اذن در انتفاع مجانی بوده . »
 در حقوق بین‌الملل نیز اصل مزبور بطور وسیع مورد شناسائی قرار گرفته و در زمره اصول عمومی حقوقی قابل اجراء توسط دیوانهای بین‌المللی پذیرفته شده است .^۴
 اکنون باید دید کدام علق ، استناد به این اصل را توجیه میکنند و ارکان اعمال اصل کدامند و یا بعبارت دیگر تحت چه شرایطی میتوان به اصل مزبور استناد نمود .

۱

علل توجیه کننده اعمال دکترین

اصولا از بررسی سیستمهای حقوقی و رویه قضائی کشورهای مختلف و نیز آراء قضائی بین‌المللی نتیجه‌گیری میشود که تئوری مورد بحث راه‌حلی است که سیستمهای حقوقی پیش‌بینی نموده‌اند تا فردیکه دسترسی به هیچ مبنای حقوقی از قبیل قرارداد و سند تعهدآور دیگر ندارد بتواند با طرح ادعا بر این اساس زیان خود را جبران یا از ثمره کار خود که بدون اجرت مانده است بهره‌مند گردد و فقدان قرارداد یا جهت قانونی مانع از آن نگردد که فردی از جبران زیان یا دستمزد خدمات خود محروم بماند. بعبارت دیگر اصل دارا شدن غیرعادلانه و روشها و مبانی ناشی از آن از قبیل « استحقاق »^۵

4- «... is widely accepted as having been assimilated into the catalogue of general principles of law applied by international tribunals», Jeminez de Aretchaga, International Law in the Past Third of a Century. «Receuil des Cours. 1978, pp.999.300.

5- «As much as he deserved» - Quantum Meruit.

دارای ماهیتی فرعی و ثانوی اند و فقط در صورتی قابل استناد هستند که زیان دیده هیچگونه اساس و مبنای حقوقی دیگر جهت استناد و احقاق حق خود نداشته باشد. بنابراین کلیه روشهای طرح ادعا که از دکتترین داراشدن غیرعادلانه سرچشمه میگیرند، در صورتی قابل پذیرش اند که بعلت فقدان قرارداد یا مبنای حقوقی دیگر، آخرین و تنها راه حل احقاق حق برای فرد زیان دیده محسوب گردند. در اینجاست که اصل عدالت و انصاف مجوز طرح ادعا بر اساس دکتترین دارا شدن غیرعادلانه است تا شخص به قیمت زیان و محرومیت دیگری دارا و منتفع نگردد. مثلا چنانچه کسی خدماتی برای دیگری انجام دهد بدون آنکه موافقتنامه و قراردادی در اینمورد منعقد نماید یا آنکه بعد از امضای قرارداد کشف گردد که به علتی از علل قانونی قرارداد منعقد باطل و بلااثر و فاقد اعتبار بوده است، شخصی که کار را انجام داده و بدون اجرت مانده است میتواند با استناد به طریقه ثانوی مورد بحث یعنی « دارا شدن غیرعادلانه » و تئوریهای متحدالمنشاء با آن از قبیل شبه عقد آواستحقاق « Quantum Meruit » به جبران متعارف و عادلانه خدمات خود موفق گردد.

خصوصیت فرعی و جایگزین تئوری داراشدن غیرعادلانه

چنانچه سند تعهدآور و مبنای قانونی معتبر و صحیحی وجود داشته باشد

۶. « Quasi-Contract » استفاده بلاجهت از سواردشبه عقد و بنا به تعریفی مترادف آن است. شبه عقد واقعه‌ای است مشروع که بوجب تعهد میشود بدون اینکه توافق اراده یکجانبه ایجاد تعهد در میان باشد. دکتر سیدحسین صفائی، « استناد به استفاده بلاجهت با وجود رابطه قراردادی ». مجله حقوقی شماره دوم، سال ۱۳۶۴، ص ۱۲.

که بر اساس آن زیان دیده بتواند طرح ادعا و احقاق حق نماید، زیان دیده نمیتواند با در دسترس داشتن این راه به دعوی مبتنی بردار شدن غیر عادلانه متوسل شود و مخیر نیست که یکی از این دو طریق را انتخاب کند و با وجود دعوی اصلی و اولیه، بیک دعوی فرعی و ثانوی استناد نماید بنابراین دعوی جایگزین و ثانوی پذیرفته نخواهد شد « جز در مواردیکه زیان دیده برای بدست آوردن آنچه طرف دیگر به او مدیون است از هیچگونه دعوی ناشی از عقد، جرم یا شبه جرم برخوردار نباشد . . . »^۷

همانطور که قبلاً ذکر شد، یکی از تئوریهای متحدالمنشاء با داراشدن غیر عادلانه که در واقع بمنزله روشی برای اعمال اصل مزبور میباشد، ادعا بر اساس استحقاق « Quantum Meruit » است. اصل استحقاق بدینگونه تعریف شده است :

« دعوی مبتنی بر فرضیه تعهد در قبال کار و زحمت که اساس آن یک تعهد ضمنی و یا وعده خوانده است به پرداخت آنچه که خواهان بطور معقول استحقاق دریافت آنرا در قبال کارش داشته باشد »^۸. بعبارت دیگر « Quantum Meruit » به آن دسته از تعهدات اطلاق میگردد که قانون، صرف نظر از قصد و رضای طرفین، بر اساس عقل و عدالت به افراد جامعه تحمیل میکند و این تعهدات ناشی از قرارداد نیستند.

بنابراین اصل هر گاه شخصی برای دیگری کار و خدمتی انجام دهد بدون آنکه برای اینکار طبق قرارداد اجرت تعیین و پرداخت آن تضمین شده باشد،

7- Carbonnier (J), Droit civil, vol. 4, 11 éd. Paris. 1982, P. 508.

8- The common count in an action of assumpsit for work and labour, founded on an implied assumpsit or promise on the part of the defendant to pay the plaintiff as much as he reasonably deserved to have for his labour.

Black's Law Dictionary. op. cit, P 1408.

قانون یک نوع تعهد فرضی را به کسی که از این کار و خدمت بهره‌مند شده است تحمیل می‌نماید و این تعهد ضمنی و قانونی که مبتنی بر منطق و انصاف است، منتفع را ملزم می‌سازد که اجرت عمل شخص دیگر را به اندازه‌ای که عقلا و عرفاً استحقاق دارد به او پرداخت نماید، نتیجه و اثر اعمال این اصل در واقع همان هدف و غایتی است که اصل « دارا شدن غیر عادلانه » دنبال میکند و آن ممانعت از این است که شخصی از مال یا خدمت دیگری بدون جهت قانونی و به زیان دیگری متمتع و بهره‌مند شود.

در قانون مدنی ایران نیز اصل مزبور مورد شناسائی قرار گرفته و بصورت « اجرت‌المثل » از آن نام برده شده است (مواد ۳۳۶ و ۳۳۷ قانون مدنی ایران) لیکن همانگونه که قبلاً توضیح داده شد، استفاده از تئوریهای فوق‌الذکر جنبه فرعی و ثانوی دارد و وجود مبنای حقوقی و قراردادی برای جبران زیان، مدعی را از استناد به اینگونه تئوریها باز میدارد.

من باب مثال کسی که قرارداد صحیح و معتبری برای انجام خدمت و دریافت حق‌الزحمه خود در دست دارد نمیتواند بعلت مناسب نبودن شرط صلاحیت در قرارداد مزبور و یا بعلت ناتوانی در اقامه دلایل لازم طبق قرارداد و امثال آن به دکترین دارا شدن غیر عادلانه استناد و دعوای خود را بر این مبنا مطرح نماید.

رویه‌های قضائی بین‌المللی این نکته را تأیید میکنند:

شرکت آمریکایی دیمزاندسور قراردادی با سازمان انرژی اتمی ایران جهت پاره‌ای خدمات زمین‌شناسی منعقد نموده و قسمتی از حق‌الزحمه خود را نیز براساس قرارداد مزبور دریافت کرده بود، پس از پیروزی انقلاب اسلامی جهت مطالبه مابقی صورتحسابهای خود دعوایی در دادگاه دآوری دعوای ایران-ایالات متحده مطرح ساخت و از آنجا که در قرارداد مورد بحث مرجع

ذیصلاح برای رسیدگی به اختلافات ناشی از قرارداد ، دادگاههای ایران تعیین شده بود ، شرکت مزبور ادعای خود را بر مبنای خارج از قرارداد یعنی « Quantum Meruit » اقامه و خواستار دریافت دستمزد عادلانه‌ای برای خدمات خود گردید . علت استناد خواهان باین مبنای ثانوی این بود که طرح دعوی در دادگاههای ایران را بر اساس قرارداد ، موافق مصالح خود نمی‌دید حال آنکه قرارداد صحیح و معتبری در دست داشت که نحوه پرداخت حق الزحمه او را بطور روشن و کامل مشخص نموده و دلیلی نیز بر بطلان و عدم اعتبار قرارداد مزبور در دست نبود . خواننده دعوی (سازمان انرژی اتمی) باین مسئله که خواهان بجای استناد به قرارداد موجود ، ادعای خود را بر یک مبنای ثانوی مبتنی ساخته اعتراض کرد و چنین استدلال نمود که با وجود یک قرارداد صحیح و معتبر ، خواهان مجاز نیست حق الزحمه خود را بر اساس « Quantum Meruit » مطالبه نماید و بدینوسیله شرط صلاحیت دادگاههای ایران را که در قرارداد پیش‌بینی شده است نادیده بگیرد . دادگاه دآوری نیز در رأی نهایی خود ، ادعای شرکت دیمزاندسور را بر مبنای ثانوی استحقاق رد نمود و چنین استدلال کرد که ادعای مطروحه علیه سازمان انرژی اتمی بدو مبتنی بر قراردادی است که بدون وجود آن هرگز خدمات مورد بحث از طرف دیمزاندسور انجام نمی‌پذیرفت . صحت و اعتبار این قرارداد نیز مورد اعتراض قرار نگرفته است . ادعای « Quantum Meruit » از طرف خواهان مربوط به خدماتی است که بموجب قرارداد صورت گرفته است . لذا چون قرارداد معتبری موجود میباشد و ادعا از این قرارداد ناشی شده است ، خواهان

نمی‌تواند براساس دیگری ادعای خود را مطرح نماید.^۱

۳

ارکان دکترین داراشدن غیرعادلانه

برای اعمال دکترین دارا شدن غیرعادلانه وجود ارکان و شرایطی لازم است که عبارتند از:

یکی از طرفین داراشده و این داراشدن به زیان طرف دیگر باشد (الف) ، دارا شدن یکی از طرفین و زیان دیدن طرف دیگر ، هر دو از یک واقعه یا عمل واحد منتج گردیده باشند (ب) ، دارا شدن فاقد جهت قانونی و غیرعادلانه باشد (ج) ، هیچگونه مبنای قراردادی یا مبنای دیگری برای جبران خسارت شخص زیان دیده وجود نداشته باشد (د) .

الف - داراشدن به زیان طرف دیگر - منظور از این شرط آنست که باید در نتیجه عمل و یا کاهش دارایی یکی از طرفین ، دارائی طرف دیگر افزایش یافته و یا از عمل طرف دیگر منتفع و بهره‌مند شده باشد مثل آنکه شخصی مال شخص دیگر را بنا حق و بدون جهت قانونی تصاحب و از آن متمتع گردد و یا بدون پرداخت اجرت عادلانه از ثمره کار و خدمت دیگری استفاده کند .

ب- داراشدن یک طرف و زیان دیدن طرف دیگر هر دو از یک واقعه و یا

9- Award No. 97 - 54-3, Dames & Moore VS. AEOI, Case No. 54. 20 Oct, 1983 pp.16, 17
 «The quantum meruit claim is for the value of services rendered under the contract That claim clearly arises under the contract. Therefore, the Tribunal Finds that it has no jurisdiction over that claim. » « The claim against AEOI is based primarily on the contract, without the existence of which no services would presumably have been performed. The validity and enforceability of the contract has not been contested »

عمل واحد منتج گردیده باشند - منظور اینست که غنی شدن اثر مستقیم زیان مالی طرف دیگر باشد، یعنی رابطه علیت مستقیم و واحد، بطور همزمان موجب غنی شدن و زیان دیدن گردیده باشد.

ج - دارا شدن جهت قانونی نداشته و غیر عادلانه باشد - منظور از « غیر عادلانه » این نیست که استفاده و دارا شدن بر خلاف انصاف باشد. فروشنده ای که مالی را به قیمت گزاف میفروشد عمل او خلاف انصاف است اما نمی توان علیه او بعنوان دارا شدن غیر عادلانه اقامه دعوی نمود بلکه در اینجا منظور از غیر عادلانه بودن اینست که دارا شدن، مخالف موازین حقوقی و بدون جهت قانونی و نامشروع باشد. بعبارت دیگر چنانچه منشاء قانونی و مشروعی از قبیل قرارداد یا یک قاعده قانونی و عرفی برای دارا شدن موجود باشد، دیگر نمیتوان دارا شدن را غیر عادلانه تلقی نمود.^{۱۰}

د - هیچگونه سبنای قراردادی یا طریقه دیگری برای جبران خسارت شخص زیان دیده وجود نداشته باشد^{۱۱} - همانطور که قبلا توضیح داده شد وجود قرارداد یا سبنای قانونی دیگر برای احقاق حق مانع از استناد به تئوری دارا شدن غیر عادلانه میگردد، لذا مدعی نمیتواند بعلت آنکه قسمتی از مفاد قرارداد یا اوضاع و احوال موجود جهت استناد به قرارداد

۱۰. دکتر سید حسین صفائی - همان مأخذ، ص ۱۵-۱۶.

۱۱. عناصر ضروری برای دعوی دارا شدن غیر عادلانه در رأی صادره از دادگاه دآوری ایران - ایالات متحده در پرونده شماره ۳۳ بوضوح تعریف شده است.

Award No. 135-33 -1, Sealand Service VS. Ports and Shipping Organization, Case No. 33, 22 June 1984, P. 28: «There must have been an enrichment of one party to the detriment of the other, and both must arise as a consequence of the same act or event. There must be no justification for the enrichment and no contractual or other remedy available to the injured party whereby he might seek compensation from the party enriched».

برای وی مناسب و نافع نمیباشد ، از اقامه دعوی تحت عنوان قرارداد صرف نظر کند و ادعای خود را براساس دکترین دارا شدن غیرعادلانه مطرح نماید .

برای روشن شدن موضوع در اینجا یکی از پرونده‌های مطروحه در دادگاه دآوری ایران - ایالات متحده را که در آن یک شرکت آمریکائی به طرفیت سازمان انرژی اتمی ایران بر مبنای دارا شدن غیر عادلانه اقامه دعوی نموده بود ، بعنوان مثال ذکر میکنیم :

در پرونده « شماره ۲۱۷ »^{۱۲} شرکت آمریکائی شانون اندویلسون دعوایی جهت مطالبه حق الزحمه خدمات زمین شناسی و انتخاب محل نیروگاه در منطقه ساوه علیه سازمان انرژی اتمی اقامه نمود . شرکت آمریکائی مزبور در واقع خدمات خود را بموجب قرارداد منعقدہ با یک شرکت خصوصی ایرانی به انجام رسانده و قسمتی از حق الزحمه خود را قبلاً تحت قرارداد مزبور دریافت نموده بود لکن از آنجا که اقامه دعوی علیه شرکتهای خصوصی در دادگاه دآوری لاهه امکان پذیر نبود و از طرفی بیم آنرا داشت که شرکت خصوصی ایرانی قادر به پرداخت دیون خود نباشد ، بجای آنکه به قرارداد منعقدہ با شرکت ایرانی استناد و دعوای خود را مستقیماً علیه شرکت طرف قرارداد خود مطرح نماید ، برای آنکه از حیث احقاق حق و وصول مطالباتش موضع مطمئن تری داشته باشد دعوای خود را علیه یک مؤسسه دولتی (سازمان انرژی اتمی) در دادگاه دآوری دعوای ایران - امریکا اقامه نمود و چون مستقیماً قراردادی با سازمان انرژی اتمی نداشت دعوای خود را بر دکترین دارا شدن غیر عادلانه مبتنی نمود به این صورت که چون سازمان

انرژی اتمی نهایتاً از خدمات شرکت شانون‌اند ویلسون منتفع و دارا گردیده است باید دستمزد عادلانه خدمات مزبور را صرف نظر از فقدان ارتباط قراردادی، به آن شرکت پرداخت نماید.

سازمان انرژی اتمی در لوایح دفاعیه خود چنین استدلال نمود که وجود یک قرارداد صحیح و معتبر مابین شرکت آمریکائی و شرکت خصوصی ایرانی، شرکت آمریکائی را از طرح ادعا بر مبنای فرعی (داراشدن غیر عادلانه) باز میدارد و هیچ دلیلی وجود ندارد که طرح چنین دعوائی را علیه شخص ثالث با وجود دسترسی به قراردادی که مستقیماً با شخص دیگری منعقد گردیده است و از هر نظر قابل استناد میباشد، توجیه نماید.^{۱۳}

دادگاه داوری پس از رسیدگی به ادعای خواهان و مدافعات خوانده دعوی مطروحه را براساس تئوری داراشدن غیرعادلانه رد نمود و فاقد وجهه قانونی دانست.^{۱۴}

نتیجه

با توجه بمراتب فوق میتوان علل توجیه کننده تئوری دارا شدن غیرعادلانه را بشرح ذیل تشریح نمود:

۱. این تئوری و نظریه‌های متحدالمنشاء با آن از قبیل استحقاق «Quantum Meruit»، شبه عقد «Quasi Contract» و قرارداد ضمنی یا فرضی^{۱۵} بعنوان راه‌حلهای حقوقی نهائی جهت احقاق حق شخص

۱۳. لوایح دفاعیه سازمان انرژی اتمی ایران بالاخص تذکاریه برای جلسه استماع

۷ اکتبر ۱۹۸۵، صفحات ۱۶ الی ۲۲ - پرونده شماره ۲۱۷ - شعبه ۲.

۱۴. رجوع شود به رأی مورخ ۵ دسامبر ۱۹۸۵ دادگاه داوری در پرونده شماره ۲۱۷.

Award No. 207-217-2-Case No. 217 Chamber 2.

15- Contract implied in law - constructive contract.

زیان دیده و جلوگیری از استفاده بلاجهت و غنی شدن غیر عادلانه افراد و جبران منصفانه هزینه ، مال و یا زحمت و کار دیگران ابداع گردیده و در اکثر سیستمهای حقوقی و رویه های قضائی به رسمیت شناخته شده است و بصورت اصول کلی حقوقی توسط دیوانهای بین المللی نیز اجراء میگردند .^{۱۶}

۲. دعوای مبتنی بر اصول فوق الذکر نمی تواند جانشین دعوای دیگری شود که برای خواهان موجود و قابل دسترسی است . بعبارت دیگر اصول حقوقی یاد شده دارای ماهیت فرعی و ثانوی هستند و دادگاهها تعهدات ناشی از این اصول را بجای تعهدات قراردادی نمی پذیرند .

بعبارت دیگر این اصول « در مورد قراردادی که با توافق طرفین منعقد شده است ، هر چند که مقررات چنین قراردادی در اثر حوادث بعدی سخت و ناروا جلوه کند ، اجراء نمی گردند » .^{۱۷}

والسلام

16 - Sealand service Inc VS. ports and shipping organization, Award No. 135-33-1, June 1984, P. 27.

17 - A quasi - contractual principle of unjust enrichment does not apply to an agreement deliberately entered into by the parties however harsh the provisions of such contract may seem in the light of subsequent happenings, corpus juris secundum, P. 574, 17. 10.

